

باز خوانی یک پرونده جنایی

در قسمت قبلی خواندید که دخترک که خواب بیدار شد و همین خواست پیش مادرش که بی حال روی کاناچه دراز کشیده بودیرو، پدر مانع او شد. صبح وقتی او چشم باز کرد متوجه شد که مادر برای همیشه از خانه رفته است. ترانه و خواهرش پروانه از خانه پدر به خانه پدرپرزگ پدر و پدر نیز که مظنون به قتل بود، دستگیر شد. پس از مدتی پدر به دنبال دو دخترش آمد و آنها را دید و با خود به خانه برد.

چه ها در خانه با زنی روبرو شدند که در جای مادرشان بود، او به بیچه ها محبت می کرد ولی بعد از مدتی وقتی متوجه شد باردار نمی شود بنای تاسازگاری را گذاشت و شوهر و تحت فشار قرار داد تا برای معامله او در خارج از کشور اقدام کند ولی مرد زیر بار نمی رفت.

اختلاف ها از همین جا ریشه دار شده بود. جنگ و جدال های روزانه شان و فقر و آشنی های مداوم مگر ادامه داشت اما اینکه یک روز ترانه از مدرسه که به خانه آمد، نامادری جواب سلامش را نهنه ناهند داد بلکه با اخم به او نگاه کرد. انگار دردی در وجودش بود که دیگر نمی توانست آن را غدا پنهان کند. زن فریاد زد:

«زود باش لباسهایت را در بیاور و سبزی ها را پاک کن. ترانه ترانه فافاصله دست به کار شد. سبزی ها را که پاک کرد نامادری گفت: بیا اینها را بشویی خانه را هم جارو کنی...»

اجرا ترانه چند ساعت کار کرد. بدون اینکه ناچار بخورد. ضعف وجودش را گرفته بود. زن گفت: خرابی دقتی می کنی؟ درست کار کن.

او دوباره شروع کرد به جارو زدن ولی زمین صعبی شده بود ده دقیقه جارو از زمین اسداخت - حسسه شده نام. گرمه ها اول ناچارم را بدعه بعد هر کاری گفتم می کش. ساعت بعد پدر به خانه آمده بود. اول متوجه اوضاع آن شده بود. ولی وقتی اشک های پررنگ پروانه را دیده بود ترانه از آن در درخشش ناله می کرد، متوجه شد. او وقتی خواب به بیچه هایش نگاه کرد متوجه ای کیودن های بی که روی بدنشان بود. مرد عصبی و اخم به آنها حیرت



زده دیدند که سهیلام هم راه اند. سبھاسی می کرد با آرامی و مهرپانی خودش را به بیچه ها نزدیک کند. ولی دو دختر دل شکسته بودند. هنوز زخم هایی بر بدن شان نشسته بود. چند هفته پیش بود. چند هفته اول به سکوت گذشته بود. ولی انگار این آرامش مربوط به قبل از توان بود. زن و بیچه هر کدام سر در لاک نشیانی خود داشتند. نه حرف می زدند و نه با هم گرم می خوردن ولی سرشوندن زندگی آنها را به هم پیوند زده بود. سهیلا این بار که بازگشته بود خوب یاد گرفته بود که باید از او دیگر یاد گرفته بود که چگونه طوری بیچه ها را آزار ندهد که پیدا باشد

تمام راه را بر خودش ببندد بیچه ها با وجود ضربه های شدید روحی و آزارهای نامادری سکوت می کردند ولی روز به روز ناامرز رنگ پریده تر می شدند. ترانه چون مدرسه می رفت. بیشتر متوجه می شد که چطور باید خودش را زیر ضربات نامادری اجابت دهد و این پیکر کوچک و ظریف پروانه زیر چشم نامادری در هم شکسته بود خیلی از روزها از صبح که پدر می رفت در اتاقی خراب می شد. نه به اندازه کافی غذا خورد و نه کسی با محبت با او حرف می زد. دخترک گریه و غمگین می گشت. او و دیگران از میوه های شاد و شنگول سابق نبودند اخمو و

ترانه غم انگیز

بود. مرد اشک هایش جاری شده بود. دخترک جعفر پیش خودش با پدر حرف زده بود. مرد به یاد فریادهایی که بر سر پروانه کشیده بود، افتاد.

«اون بیچاره چه گناهی کرده که گیر شما افتاده است. کم آدیت اش کنید تا تشبیه نشود. مرد فکر می کرد چه اشتباهی کرده است. بر گشت و عقب را نگاه کرد. سهیلا پشت سرش ایستاده بود. زن رنگ به چهره نداشت. بدنش می لرزید. مرد به سوی او قدم برداشت. هر طور بود باید کار را یکسره می کرد. در حق بیچه هایش پدری نگذره بود. بعد از آن شتجه که به ترانه داده بود، چرا این زن را به خانه رده داده و دلش به حال او سوخته بود. می خواست زن را خفه کند. به او نزدیک می شد، سی و تفاوت و سرد نگاهش کرد. سبگاری روشن کرد و از بیمارستان بیرون رفت.

وارد اتاق فرست نگاه می شد همه چیز را بعد با یک مأمور از آنجا بیرون رفت. جریان قتل عدد کودکی که دست نامادری به باز پرس ویژه قتل گزارش شد. جسد دخترک به پزشکی قانونی منتقل شد و...

منهم به قتل سهیلا زنی جوان بود. لاغر اندام با چهره ای پر از درد و غم بود. زن را در تحقیقات اولیه گفتند. بیست و نه ساله بود. دکتر بعد از معاینه گفته بود: «مرد شده با این بیچه چه کرده ای. مرد دستا پرزنگ را در دستش محکم گرفته و التماس کرد بود. حال ترانه کاری کن دکتر! پرزنگ به صورت او خیره مانده بود. «خجالت بکش مرد. بیچه را مرده مرخمی بگیر و بیا...»

مرد به بیلافاصله خودش را به خانه رسانده بود. دخترک در حال مرد بود. هر چه تلاش کرده بود تا دخترک را به هوش بیاورد نشده بود. دیگر فرصتی برای جراحی و نهج دادن نبود. مرد خودش نمی فهمید که در خیابان مطول می بودن هیچ دلگنجی ای سرد وی بوی ماندن

شهرندان کشور اجرا می کنند، به نحوی که فقط ویژگی های عام و بی اهمیت پرونده بر حسب عوامل صرفاً حقوقی و مرتبط با مراحل دادرسی، مورد لحاظ قرار می گیرند.

این گونه رویه حقوقی در تضاد با عقلانیت ذاتی در حقوق است که در آن، احکام به لحاظ رعایت اصل عدالت صادر می شوند. به عبارت دیگر در عقلانیت صوری، قوانین به شکل عام اجرا می شوند و بی توجه به این که بر تک تک اشخاص چه تأثیری دارند یا چقدر عقلانیت ذاتی در عرصه اخلاق را زیر پا می گذارند.

فرض کنید فردی در یک مکان با جویبی مورد ضرب و جرح قرار می گیرد و دادگاه او آن فرد دلیلی برای محبت گفتن هایش می خواهد و هر چند هم آن شخص خود را به آب و آتش بزند که هیچ دلیلی جهت آثار ضرب و جرح ندارد، چون قضایای باید به منطق توجه کند و بیع فریدی را بدون دلایل اثباتی مجرم نشناسد مجرم است آن فرد را تبرئه کند اما چه مقدار از عدالت در این قضیه اجرا می شود؟

کسی نمی تواند در فضیلت اجرای قانون شک کند اما اجرای برخی قوانین اگر چه به خودی خود می تواند غیر شرع شده شوند ممکن است در برخی موارد با وضعیت های خاص عادلانه در تضاد باشند.

برخی دانشمندان مانند منتسکیو قاضی را بلندگوی قانون می دانند و معتقدند که قاضی نباید از منطق قانون فراتر رود چرا که این امر باعث قدرت بی حد و حصر قضات در اعمال مجازات می شود. برخی با او فراتر گذاشته و اختیار گسترده به قضایا از قبیل تخفیف مجازات و آزادی مشروط و تبدیل مجازات از آفت ایصال قانونی بودن جرم و مجازات می دانند که سبب می شود قضای مجازات مشروط از آن چیزی که در منطق مواد می باشد حکم صادر کند. به عبارت دیگر این دسته افراد اصل قانونی بودن مجازات ها را منقار با اصل قانونی بودن مجازات ها می دانند. در این صورت، جرم، فاعله عوامل متدنه است و اگر قاضی، حکم تعیین مجازات به این علل توجهی نکند قطعاً حکم او با عدالت فاصله خواهد داشت. به عنوان مثال هیجانگه عرف، فردی که در دفاع از ناموس کسی را مضروب می کند و او لاین که شرایط دفاع مشروع را هم نداشته، با دزدی که صاحب خانه را هنگام سرقت می نرشل مضروب می کند مانند هم نمی داند. و اگر قاضی در این گونه موارد از انگیزه شرافتمندانه در ماده ۲۴ قانون مجازات اسلامی استفاده نکند حکمش با عدالت فاصله خواهد داشت. توجه داشته باشیم که در عمل اطلاعات و ابسطات ملایم عادلانه بودن قوانین به فراتر از مرزهای داخلی کشیده شده و جنبشی هم که اکنون شکل گرفته خواستار اسیب السلی کردن قوانین کیفری است که نشریح این موضوع مجال دیگری را می طلبد.

در این مورد می خواهیم به جوش بی آید، «گزاره بر بیبنا سفید است، راست و صادق است اگر و تنها اگر» بر سفید باشد، این گزاره بر بیبنا نظریه مطابقت صدق است. نظریه مطابقت صدق به طور کلی بیان می کند حاصل صدق، وقتی راست و صادق است و با عالم واقع آن گونه که هست مطابقت داشته باشد.

«حقیقت» آن چیزی است که باید باشد، گزاره «واقعیت این است که آب در صد درجه دانه به جوش آید» با احکام قضایای رایج تفاوت شده، یا نباید به آزادی ها تجاوز کرده از گزاره های «باید» انگار می کشند که درباره حقوقی یا بدی برخی امور صحبت نمی توانند. البته، حقیقت اعتباری است که ما محقق را بر آن حمل کرده ایم و این اعتبار را هر اراس و واقعیت حقایق است که وجود دارد.

فرض شدن از حقایق اعتباری هستند. که ممکن است در اثر مرور زمان در این واقعیت ها دستخوش تغییرات قانونی و با فرض قانون گذار در زمان قرار گیرند. با حداقل، قانونی که در رسیدن به عدالت است در آن کرنگ شود. البته مجدداً تأکید می شود حقوق قضایای اعتباری مستحق صوری در حقیقت است که حقوق ذاتی که در دارای صفات اجرایی دولتی است که ریشه در واقعیات دارند و اعتبارات ریاضی نیستند.

برای ورود به این بحث، به این پرونده توجه کنیم که یک کشته در در خانه زنی زنگ زده و صاحبخانه هم پس از دیدن شدن از خواب در جریان بزرگتری است. صلاح را از جنگ و درآورده و او را مراجع کرده است. سپس دست مجروح از زیر لنگش کشاکش کرده و دادگاه می بیند طبق قوانین، این صاحبخانه از زیر اتهام مجرم ساختن یک فرد مقرر دانسته است.

این همان حقیقت صوری در حقیقت است که حقوق ذاتی که در دارای صفات اجرایی دولتی است که ریشه در واقعیات دارند و اعتبارات ریاضی نیستند.

برای ورود به این بحث، به این پرونده توجه کنیم که یک کشته در در خانه زنی زنگ زده و صاحبخانه هم پس از دیدن شدن از خواب در جریان بزرگتری است. صلاح را از جنگ و درآورده و او را مراجع کرده است. سپس دست مجروح از زیر لنگش کشاکش کرده و دادگاه می بیند طبق قوانین، این صاحبخانه از زیر اتهام مجرم ساختن یک فرد مقرر دانسته است.

این همان حقیقت صوری در حقیقت است که حقوق ذاتی که در دارای صفات اجرایی دولتی است که ریشه در واقعیات دارند و اعتبارات ریاضی نیستند.

سهم عدالت در دادرسی

علی فرخسه - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

عدالت از پیچیده ترین موضوعاتی است که اندیشه بشری دربره آن به تأمل پرداخته است. پیچیدگی نظری عدالت تا یکسو و دشواری بسیار آن در تحقق عملی از سوی دیگر، عدالت را هم به مفهومی بسیار فریغ تبدیل کرده است و مردم غده غده دلمی و بزرگی برای ایمان بیشتر نبوده است. نباید بتوان گفت که هیچ موضوعی به اندازه عدالت موضوع اختلاف نظر نیست و تحقق آن در مقام عمل از این هم فریغ تر است. این که ما چه تعریفی از عدالت ارائه دهیم که جایگاه واقعی عدالت مشخص شود موضوع بسیار پیچیده ای است. البته این امر به خاطر عید در ماهیت موضوع پیچیده ای از عدالت ارائه می دهد، به قول مولانا هر کسی از ظن خود شد یار من. یکی از مباحث پیچیده در فلسفه حقوق، موضوع میزان و سهم عدالت در دادرسی است. این موضوع یکی از مهم ترین موضوعات است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. ما معیار را در دادرسی ها، در نظر بگیریم که عادلانه به نظر برسد از موضوعات مهمی است که جای بحث و گفتگای فراوان دارد. عدای او را می توانم که قانون در آن خود عدالت را جای داده است و اگر ما در دادرسی ها قوانین را به درستی رعایت کنیم سهم عدالت در دادرسی هایش حفظ شده است چرا که قانون تبلور اراده جمعی است که بسوا نمایندگان مردم در پارلمان به تصویب می رسد. اما اصولاً اینجا هر دو قانونی که در واقعیت مدعای عادلانه است قانونگذاران چه معیاری در نظر می گیرند که ملایم عادلانه بودن قوانین است؟ آیا اگر قضات به منطق قانون توجه کنند سهم عدالت در دادرسی هایش رعایت شده است؟ تحولات جامعه چه تأثیری در عدالت بودن قوانین دارد؟ پاسخ به این سؤال ها در حد توان و بضاعت تصور اصولی مقاله حاضر خواهد بود.

عدالت از پیچیده ترین موضوعاتی است که اندیشه بشری دربره آن به تأمل پرداخته است. پیچیدگی نظری عدالت تا یکسو و دشواری بسیار آن در تحقق عملی از سوی دیگر، عدالت را هم به مفهومی بسیار فریغ تبدیل کرده است و مردم غده غده دلمی و بزرگی برای ایمان بیشتر نبوده است. نباید بتوان گفت که هیچ موضوعی به اندازه عدالت موضوع اختلاف نظر نیست و تحقق آن در مقام عمل از این هم فریغ تر است. این که ما چه تعریفی از عدالت ارائه دهیم که جایگاه واقعی عدالت مشخص شود موضوع بسیار پیچیده ای است. البته این امر به خاطر عید در ماهیت موضوع پیچیده ای از عدالت ارائه می دهد، به قول مولانا هر کسی از ظن خود شد یار من. یکی از مباحث پیچیده در فلسفه حقوق، موضوع میزان و سهم عدالت در دادرسی است. این موضوع یکی از مهم ترین موضوعات است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. ما معیار را در دادرسی ها، در نظر بگیریم که عادلانه به نظر برسد از موضوعات مهمی است که جای بحث و گفتگای فراوان دارد. عدای او را می توانم که قانون در آن خود عدالت را جای داده است و اگر ما در دادرسی ها قوانین را به درستی رعایت کنیم سهم عدالت در دادرسی هایش حفظ شده است چرا که قانون تبلور اراده جمعی است که بسوا نمایندگان مردم در پارلمان به تصویب می رسد. اما اصولاً اینجا هر دو قانونی که در واقعیت مدعای عادلانه است قانونگذاران چه معیاری در نظر می گیرند که ملایم عادلانه بودن قوانین است؟ آیا اگر قضات به منطق قانون توجه کنند سهم عدالت در دادرسی هایش رعایت شده است؟ تحولات جامعه چه تأثیری در عدالت بودن قوانین دارد؟ پاسخ به این سؤال ها در حد توان و بضاعت تصور اصولی مقاله حاضر خواهد بود.

عدالت از پیچیده ترین موضوعاتی است که اندیشه بشری دربره آن به تأمل پرداخته است. پیچیدگی نظری عدالت تا یکسو و دشواری بسیار آن در تحقق عملی از سوی دیگر، عدالت را هم به مفهومی بسیار فریغ تبدیل کرده است و مردم غده غده دلمی و بزرگی برای ایمان بیشتر نبوده است. نباید بتوان گفت که هیچ موضوعی به اندازه عدالت موضوع اختلاف نظر نیست و تحقق آن در مقام عمل از این هم فریغ تر است. این که ما چه تعریفی از عدالت ارائه دهیم که جایگاه واقعی عدالت مشخص شود موضوع بسیار پیچیده ای است. البته این امر به خاطر عید در ماهیت موضوع پیچیده ای از عدالت ارائه می دهد، به قول مولانا هر کسی از ظن خود شد یار من. یکی از مباحث پیچیده در فلسفه حقوق، موضوع میزان و سهم عدالت در دادرسی است. این موضوع یکی از مهم ترین موضوعات است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. ما معیار را در دادرسی ها، در نظر بگیریم که عادلانه به نظر برسد از موضوعات مهمی است که جای بحث و گفتگای فراوان دارد. عدای او را می توانم که قانون در آن خود عدالت را جای داده است و اگر ما در دادرسی ها قوانین را به درستی رعایت کنیم سهم عدالت در دادرسی هایش حفظ شده است چرا که قانون تبلور اراده جمعی است که بسوا نمایندگان مردم در پارلمان به تصویب می رسد. اما اصولاً اینجا هر دو قانونی که در واقعیت مدعای عادلانه است قانونگذاران چه معیاری در نظر می گیرند که ملایم عادلانه بودن قوانین است؟ آیا اگر قضات به منطق قانون توجه کنند سهم عدالت در دادرسی هایش رعایت شده است؟ تحولات جامعه چه تأثیری در عدالت بودن قوانین دارد؟ پاسخ به این سؤال ها در حد توان و بضاعت تصور اصولی مقاله حاضر خواهد بود.